



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۱/۰۹



ارسالی: نبیل عزیزی

خاطره!!!

اقتباس از سایت فیسبوک:

«دا ز مور زیبا وطن»



طرف وظیفه با موتر رنجر دولتی در ساحه پل محمود خان کابل روان بودم در موبایل مصرف بودم که ناگهان موتر زده شد متوجه شدم محافظ الله گل مجاهد د پیشروی موترم با تفنگ دست داشته زده بود پایین شدم گفتم چرا ؟

گفت موتر های وکیل صاحب عبور میکنه توقف کن عصبانی شدم گفتم از وکیل کده مه مهم هستم میروم طرف وظیفه درپورم گفتم حرکت کن از پل محمود خان تیر شدم که سه موترلندکروزر و چندین هایلکس الله گل مجاهد کوشش داره موترم را قید کنه توقف بته خلاصه الی لیسسه استقلال موتر را تیز کدیم که توقف نکنه ،بسیار بادیگارد ها بود همایش در ذهنم گفتم اگر توقف بته کدام مشکل جور نکنه برم در پیشروی گلپهار سنتر توقفم داد شخص الله گل پایین شد بسیار عصبانی گفتم که تو چه کاره هستی که به مه راه ندادی گفتم وکیل صاحب مه خو میروم وظیفه و خودت خو کلان همه ما هستی نماینده ما هم هستی الله گل بسیار دو زدن شروع کد کوشش داشت مرا از موترم پایین کند و د موتر خود بالا کنه سربازم که مسئولیت تامین امنیت مرا داشت شفیق نام داشت مرمی تیر کد که بیرو بار هم در شهر زیاد بود وکیل طرف سربازم با سیلی زد مه سرباز گفتم وکیل صاحب است سرباز آرام ایستاده شد که سکرتر الله گل عکس های همین جریان گرفت و الله گل گفت پسر وزیر داخله هم باشی همرايت کار دارم گفتم وکیل صاحب امر مالی معینت محافظت عامه هستم درخدمتت رفتم وظیفه که دو روز بعدش مکتوب آمده بود از سلسله ریاست سمع شکایت ولسی جرگه عنوانی وزارت داخله مینی بر اینکه تهدید مسلحانه الحاج الله گل مجاهد ریس سمع شکایت ولسی جرگه توسط علی حیدر اصغری وزیر صاحب داخله هم عنوانی معینت محافظت عامه بسیار قاطع نوشته بود افسر موصوف عاجل معرفی گردد.

که مکتوب آمد شخص خودم را معین صاحب آنوقت خواست که چرا ایتو کدی قصه را برایش کردم بسیار شخص نیک و از واقعیت های جامعه باخبر بود گفت پارلمان نرو وکیل احساساتی است مشکل حیاتی برت جور میکنه عاجل مرا در

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

همان روز که پارلمان خواسته بود به هرات هیئت روان کد و مکتوب را جواب کد که افسر موصوف به ولایت هرات در وظیفه توظیف است .

یک هفته گذشت دوباره کابل آمدم که هفته بعد باز مکتوب آمده که شخص معین ریس مربوط و خودم را به پارلمان خواسته معین صاحب نرفت به عوضش معاون و ریس دفتر خود را با من پارلمان فرستاد که رفته پارلمان در ریاست کمیسیون سمع شکایت سوال ها شروع شد و چنان دو زدن و فحش به نیروهای نظامی و من گفت هیچ یادم نمیره گفت هر نفر محافظم ده ها نفر را به قتل نرسانه مه محافظ نمیگیرم خوب خدا طرفم بود چند تن وکلای دیگر در آن کمیسیون طرفداری من را کد و دوباره به وظیفه ام معرفی شدم .

با وجود همه بدی های که الله گل مجاهد داشت در حق مه انجام داده بود و باعث فروپاشی نظام همین چهره های تاریخ شدند باز هم من حیث یک مو سفید و کلان لازم نبود تا ای حد بی عزت شود واقعاً به خاطرش متأسف هستم .